



## درس خارج فقه استاد حاج سید مجتبیٰ نورمفیدی

موضوع کلی: مقدمات  
موضوع جزئی: مقدمه هفتم: فی المراد بالغنیمه (امر اول: غنیمت در لغت)  
سال چهارم  
تاریخ: ۹ مهر ۱۳۹۲  
مصادف با: ۲۵ ذی القعدة ۱۴۳۴  
جلسه: ۱۲

### «الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد و آله الطاهرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین»

بحث در تبیین معنای غنیمت به دلائلی که بیان شد، بود؛ گفتیم بحث ما حول این کلمه در پنج امر تعقیب می‌شود که سخن در بررسی امر اول بود اینکه اهل لغت غنیمت را به چه معنایی می‌دانند.

#### امر اول: غنیمت در لغت

اگر کلمات لغویین را دست بندی کنیم چهار موضع در رابطه با معنای غنیمت ملاحظه می‌کنیم به عبارت دقیقتر اهل لغت در نحوه بیان معنای غنیمت چهار دسته شده‌اند:

#### معنای اول:

بعضی از اهل لغت غنیمت را به این معنی دانسته‌اند: غنیمت چیزی است که به دست انسان می‌رسد بدون مشقت؛ غنیمت از غُنْم است در تبیین معنای غُنْم می‌گویند «الفوز بالشیء فی غیر مشقة» کتاب العین که از قدیمی‌ترین کتب لغت است غُنْم را این گونه معنی کرده «الغُنْم الفوز بالشیء فی غیر مشقة»<sup>۱</sup> در لسان العرب هم مثل همین تعبیر ذکر شده لکن اضافه‌ای دارد که در حدیث کلمه غنیمت و مغنم و غنائم زیاد بکار رفته و تصریح می‌کند که معنای غنیمت در حدیث عبارت است از «ما اصیب من اموال اهل الحرب و اوجف علیه المسلمون الخیل و الركاب» آن اموالی که در جنگ بدست مسلمین می‌افتد به آن غنیمت می‌گویند.<sup>۲</sup>

پس در لسان العرب هم مثل کتاب العین «الفوز بالشیء فی غیر مشقة» بیان شده و آن را هم که می‌گوید در جنگ بدست می‌آید می‌گوید در حدیث به این معنی وارد شده و گرنه لغت همین معناست.

تاج العروس همین معنی را برای غنم ذکر کرده است «والغُنْم الفوز بالشیء بلا مشقة أو هذا الغنم و الفیء الغنیمه»<sup>۳</sup>

دقیقاً مانند همین مطلب را در قاموس المحيط هم مشاهده می‌کنیم.<sup>۴</sup>

کسانی که غُنْم را به این معنی گرفته‌اند، از بزرگان اهل لغت هستند.

#### معنای دوم:

دسته دوم از لغویین بر اصابه و فوز بشیء تأکید کرده‌اند ولی یک اضافه‌ای نسبت به دسته اول دارند به عبارت دیگر یک تفاوتی نسبت به دسته اول دارند. صاحب معجم مقاییس اللغة غُنْم را این گونه معنی کرده است: «الغین و النون و المیم اصل»

۱. العین، ج ۴، ص ۴۲۶.

۲. لسان العرب، ج ۱۲، ص ۴۴۵-۴۴۶.

۳. تاج العروس، ج ۱۷، ص ۵۲۷.

۴. القاموس المحيط، ج ۴، ص ۱۲۳.

صحيحٌ واحدٌ يدلُّ على افادةِ شيءٍ لم يملك من قبل ثم يختص به ما اخذ من مال المشركين بقهرٍ و غلبةٍ معنای غنم این است: بدست آوردن چیزی که قبلاً مالک آن نبوده و بعد اختصاص پیدا کرده به آنچه که به قهر و غلبه و جنگ از مال مسلمین اخذ می شود.<sup>۱</sup>

فیومی در مصباح المنیر غنم را این گونه معنی می کند: «غنمتُ شيءً اغنمه غنماً أصبته غنيمَةً و مغنماً و الجمع الغنائم و المغانم و الغنم بالغرم أي مقابلٌ به فكما أن المالك يختص بالغنم و لا يشاركه فيه احد فكذلك يتحمل الغرم و لا يتحمل معه احد».<sup>۲</sup>

در مصباح المنیر هم همان دو خصوصیتی که مقایسه ذکر شده بود، بیان شده؛ یکی اینکه اصلاً غنم به معنای اصابه است و دیگری اینکه و لا يشارك به احدٌ یعنی هیچ کس با او در این مال شریک نیست یعنی این قبلاً ملک او نبوده یا شریکی ندارد که این به حسب ظاهر با عدم مملوکیت من قبل فرق می کند ولی هر دو در واقع می خواهند بگویند این مال این شخص است و مال شخص دیگری نیست پس در بین این دسته اصابه و افادة شيء است در حالی که قبلاً مال آنها نبوده است.

فرق دسته اول و دوم در چیست؟ از یک جهت هیچ فرقی ندارند؛ دسته اول می گفتند الفوز بالشيء دسته دوم می گویند الاصابة بالشيء یا افادة الشيء اینجا پس یک تفاوتی دارند دسته اول می گویند بلا مشقة دسته دوم قید مشقت را نیاورده اند فقط اینکه قبلاً مملوک اینها نبوده این در واقع همان ظفر و اصابه و فوز به شيء است چیزی که انسان به آن می رسد و فوز پیدا می کند مال کس دیگری نیست لذا از این جهت می توان گفت بین دسته اول و دسته دوم فرقی نیست.

ولی یک تفاوت وجود دارد و آن هم مسئله مشقت است که در کلمات دسته اول قید بلا مشقة ذکر شده در حالی که در دسته دوم این قید نیامده است و شامل هم مع مشقة و هم شامل بلا مشقة می شود.

عده ای از اهل لغت که غنم را به معنای اصابت و ظفر می دانند لکن بعد می گویند استعمال شده در هر چیزی که مظفور به است (انسان به آن ظفر پیدا می کند) راغب اصفهانی در مفردات این گونه بیان می کند «و الغنم اصابته و الظفر به ثم استعمل في كل مظفور به من جهة العدى و غيرهم قال تعالى واعلموا أنما غنمتم من شيء الى آخر الآية<sup>۳</sup> و قوله تعالى فكلوا مما غنمتم حلالاً طيباً<sup>۴</sup> و المغنم ما يغنم به و جمعه مغانم قال فعند الله مغانم كثيرة».<sup>۵</sup>

راغب اصفهانی ریشه غنم را بیان کرده و می گوید معنایش اصابت و ظفر به شيء است لکن استعمال شده در هر چه که انسان به آن ظفر پیدا می کند چه از جهت دشمنان و چه غیر دشمنان؛ فرق آنچه که راغب اصفهانی می گوید با آنچه که مقایسه اللغة می گوید این است که او می گوید: «ثم يختص به ما اخذ من مال المشركين بقهرٍ و غلبةٍ» یا مثلاً در لسان العرب اشاره کرد به اینکه در حدیث به این معنی آمده است اما معجم مقایسه اللغة ادعای اختصاص می کند به آن چیزهایی که در جنگ با قهر و غلبه و زور بدست آورده می شود اما در مفردات راغب می بینیم مطلق الاصابة و الظفر را نمی گوید بلکه می گوید غنم اصابه و ظفر به شيء است ولی استعمل في كل مظفور به چه از جهت از دشمنان و چه غیر دشمنان.

۱. معجم مقایسه اللغة، ج ۴، ص ۳۹۷.

۲. مصباح المنیر، ج ۲، ص ۴۵۴ - ۴۵۵.

۳. انفال / ۴۱.

۴. انفال / ۶۹.

۵. مفردات، ص ۶۱۵.

یا مثلاً در نهاییه ابن اثیر نظیر آنچه که در معجم مقاییس اللغة آمده است بیان شده یعنی مدعی شدند که اختصاص به غنائم جنگی پیدا کرده است؛ «و هو ما اصیب من اموال اهل الحرب و اوجف علیه المسلمون بالخیل و الרכاب و منه الحدیث الصوم فی الشتاء الغنیمة الباردة إنما سماه غنیمة لما فیہ من الاجر و الثواب»<sup>۱</sup>.

پس عده‌ای آن ریشه لغوی را گفته‌اند ولی ادعای اختصاص به غنائم دار الحرب دارند.

سؤال: دسته دوم هم همین بود.

استاد: بله اینها ریشه لغوی را ذکر می‌کنند و می‌گویند به غنائم جنگی اختصاص پیدا کرده ولی گاهی معنای لغوی را ذکر نمی‌کنند از جمله کسانی که اصلاً ریشه لغوی را ذکر نکرده صاحب مجمع البحرین است؛ در مجمع البحرین این گونه وارد شده «الغنیمة ما نیل من اهل الشرك غلبةً و قهراً و الحرب قائمة و الفیء ما نیل منهم بعد أن تضع الحرب اوزارها»<sup>۲</sup> مجمع البحرین از ابتدا غنیمت را به معنای آنچه از اهل شرک در حالی که جنگ برپاست گرفته می‌شود و آنچه بعد از جنگ گرفته می‌شود در حالی که جنگ تمام شده فیء می‌شود.

پس مجموع اقوال لغویین این شد:

یک دسته گفتند الغنم الفوز بالشیء و الاصابة بالشیء بلا مشقة و یک دسته گفتند الفوز بالشیء و دیگر مقید به عدم المشقة نکردند و یک عده گفتند غنم در واقع ظفر و اصابه به شیء است ولی استعمال فی کل مظفور به چه در جنگ و چه در غیر جنگ و دسته دیگر فقط آن موردی را می‌گویند که فقط در جنگ بدست می‌آید و اصابه و ظفر را نمی‌گویند.

حال آیا این اقوال با هم قابل جمع هست یا نه؟

تقریباً به غیر صاحب مجمع البحرین همه اتفاق دارند بر اینکه معنای لغوی غنم و غنیمت الاصابه و الفوز و الظفر بالشیء است اینکه بعداً استعمال شده در غنائم دار الحرب یا اختصاص به آن پیدا کرده این در واقع معنای لغوی نیست و یک معنای اصطلاحی است یعنی چون در روایات و احادیث بسیار وارد شده به تدریج در بین عرف این کلمه از آن معنای لغوی در این معنی هم استعمال شده است ولی استعمال در این معنای اصطلاحی به اندازه‌ای نبوده است که آن معنای لغوی ترک شود. این معنای اصطلاحی از غنیمت هست ولی هیچ وقت باعث نشده که این لفظ در معنای اصلی خودش استعمال نشود لذا موارد زیادی در آیات و روایات می‌بینیم که در معنای اصلی خودش استعمال شده است بله استعمال در آنچه در جنگ بدست می‌آید هم یک استعمال شایع و رایجی می‌باشد. پس کسانی که می‌گویند تم یختص به غنائم جنگی در واقع همان معنای اصطلاحی را بیان می‌کنند.

یک اختلاف اساسی بین اهل لغت است که عده‌ای می‌گویند الفوز بلا مشقة و قید عدم المشقة را جزء معنای غنیمت و غنم اخذ کردند و عده‌ای قید عدم المشقة را به عنوان جزئی از معنای غنیمت نمی‌دانند.

**نتیجه:** پس اگر ما بخواهیم نظر اهل لغت درباره غنیمت و غنم از نظر لغوی دسته بندی کنیم (به معنای اصطلاحی آن کار نداریم) می‌توانیم بگوییم دو نظر وجود دارد یکی الفوز بالشیء بلا مشقة و یکی مطلق الفوز بالشیء. حال اگر غنیمت چیزی

۱. نهاییه ابن اثیر، ج ۳، ص ۳۸۹.

۲. مجمع البحرین، ج ۳، ص ۳۴۴.

است که بدون مشقت بدست انسان می‌رسد و آن را هم شامل می‌شود پس چگونه در غنائم جنگی بکار می‌رود؟ این یک سؤال است که باید پاسخی برای آن پیدا کنیم ولی طبق نظر دوم مشکلی وجود ندارد و شامل غنائمی که با مشقت هم بدست می‌آید می‌شود چه در جنگ و چه در غیر جنگ.

**بحث جلسه آینده:** حال استعمالات قرآنی غنیمت را هم باید بررسی کنیم و ببینیم در قرآن به چه معنی بکار رفته است و بعد در روایات به چه معنی بکار رفته و مفسرین و فقها چه تفسیری از غنیمت دارند تا بعد انشاء الله اینها را در مباحث آینده مورد استفاده قرار دهیم.

«والحمد لله رب العالمین»